

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی بطلان یا عدم نفوذ معامله صبی پیش از رشد

بعد از اینکه از آیه شریفه استفاده کردیم که ملاک در وجوب دفع اموال رشد صبی است و به نظر ما شرطیت بلوغ از آیه شریفه استفاده نشد. حالا بحث دیگر این است که چه ما از آیه تنها شرطیت رشد را استفاده کنیم و یا شرطیت بلوغ و رشد را استفاده کنیم. آیا آیه دلالت دارد بر اینکه اگر مال را قبل البلوغ و الرشد یا قبل الرشد به صبی دادیم و معامله‌ای انجام داد، مطلقاً این معاملات باطل است؟ یعنی حتی اگر ولی او هم اجازه بدهد، آیا آیه دلالت بر این دارد که حالا که رشد شرطیت دارد یا رشد و بلوغ هر دو شرطیت دارد، اگر ولی آمد به طفل ممیز غیر رشید مالی را داد و به او اجازه‌ی در معامله هم داد، آیا آیه دلالت بر عدم نفوذ این معامله دارد که نتیجه این می‌شود که قبل حصول الشرط معاملات صبی مطلقاً باطل است ولو مع إذن الولي. یا اینکه بگوئیم نه، اگر قبل حصول الشرط ولی آمد به صبی اجازه داد آیه دلالت بر بطلان این ندارد، این مشمول بطلان نمی‌شود.

اختلاف دیدگاه ابوحنیفه و شافعی [1]

اینجا يك نزاعی بین ابوحنیفه و شافعی هست؛ ادعای ابوحنیفه این است که از آیه شریفه استفاده می‌شود که «قبل حصول الرشد» اگر ولی آمد مال را به صبی ممیز غیر رشید داد (که باز عرض می‌کنم بحث ما اصلاً در صبی ممیز است، صبی غیر ممیز اصلاً به طور کلی از بحث خارج است)، آن هم للإختبار آیه می‌گوید این اشکالی ندارد و این معامله را صحیح می‌داند، ابوحنیفه می‌گوید «وابتلوا الیتامی» این ابتلا که در این آیه شریفه آمده اطلاق دارد و اطلاقش به این معناست که این صبی را می‌شود به وسیله معاملات ابتلا کرد و لازمه‌ی این ابتلا صحّت معامله است، لازمه این ابتلا این است که معامله‌اش هم معامله‌ی صحیحی باشد، ابوحنیفه می‌گوید اگر ما بگوئیم این را ابتلا کنند با معاملات اما معامله‌اش صحیح نباشد، این فایده‌ای ندارد. از آیه می‌گوید استفاده می‌کنیم اگر قبل زمان الرشد یا قبل زمان البلوغ روی قول آنهایی که بلوغ را شرط می‌دانند، اگر قبل از اینها مال را به صبی داد للإختبار، این معامله باید معامله‌ی صحیحی باشد. آن وقت نتیجه‌اش این است «دفع المال إلی الصبی قبل حصول الشرط للإختبار» و صبی بیايد يك معامله‌ای را انجام بدهد «صحیح بإذن الولي» و در نتیجه آیه می‌گوید قبل حصول الشرط اگر صبی ممیز بدون اذن الولي معامله‌ای را انجام داد باطل است.

شافعی در مقام جواب می‌گوید خدای تبارک و تعالی در آیه می‌فرماید «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» جواز دفع اموال را مشروط به رشد کرده، در نتیجه قبل از رشد دفع اموال به صبی جایز نیست و اگر صبی رفت با او معامله‌ای هم انجام داد چه ولی اذن بدهد و چه اذن ندهد باطل است. به عبارت دیگر شافعی می‌گوید چون در آیه شریفه «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» را متفرّع کرده بر ایناس رشد، نتیجه‌ای که از این می‌گیریم این است که در قبل از رشد در حال صغر دادن مال و دفع مال جایز نیست. آن وقت می‌گوید بالملازمه اگر دادن مال در حال صغر به صبی جایز نباشد، اگر صبی آمد با این مال معامله‌ای انجام

داد، گویا اصلاً با مال غیر رفته معامله‌ای انجام داده معامله‌اش باطل است، گویا با مالی که اختیار ندارد رفته معامله انجام داده، این معامله‌اش باطل است، آن وقت اینجا این را ما اضافه می‌کنیم که آیه می‌گوید رد حال صغر نباید مال را به این داد و اطلاق هم دارد، اطلاقش می‌گوید چه با اذن ولی بیاید تصرفی انجام بدهد و چه بدون اذن ولی تصرفی را انجام بدهد.

ابو حنیفه می‌گوید از آیه استفاده می‌شود جواز دفع مال صبی در حال صغر و قبل از رشد برای ابتلا و به قصد الابتلاء و لازمه‌ی این جواز نفوذ معامله صبی است، در نتیجه ابوحنیفه می‌گوید ما از آیه استفاده می‌کنیم مال صبی را در قبل از رشد لایبتلا با اذن ولی می‌شود به او داد و معامله‌اش هم صحیح است. شافعی می‌گوید نه! آیه می‌گوید قبل از رشد اصلاً حق ندارید مال را به او بدهید، اگر مال را آمدید به او دادید کار حرامی کردید و لازمه‌اش این است که اصلاً تصرف صبی مطلقاً جایز نباشد، لایختبار او غیر الاختبار، با اذن ولی و یا بدون اذن ولی.

نقد دیدگاه شافعی و ابوحنیفه از سوی مرحوم امام خمینی^[2]

امام خمینی (رضوان الله علیه) به این جواب شافعی در کتاب البیع‌شان در همان جلد دوم اشکال کردند و می‌فرمایند این اشکال شافعی بر ابوحنیفه وارد نیست. می‌فرمایند ابوحنیفه نمی‌خواهد ادعا کند که تصرف صبی قبل از رشد مطلقاً صحیح است، استدلالی که شما دارید این است که آیه می‌گوید دفع المال قبل از رشد به صبی جایز نیست، اما دیگر دلالت بر این ندارد که حتی برای ابتلا جایز نیست. آیه می‌گوید همین طوری بخواهید مال را به صبی دفع کنید و دنبال کارتان بروید جایز نیست، آیه دلالت ندارد دفع المال قبل از رشد به صبی جایز نیست، بلکه دلالت بر جواز دارد که مال را قبل از رشد می‌توان به صبی داد منتهی ابتلا متوقف بر این است که ولی مال صبی را قبل از رشد به او بدهد ببیند این رشد دارد یا نه؟ ابوحنیفه آمد گفت بین الابتلاء و بین صحّة المعاملة ملازمه وجود دارد، امام (رضوان الله علیه) می‌فرمایند ابتلا متوقف بر ذات معامله است، پول را به او بدهد بگوید برو در بازار معامله کن، اما متوقف بر صحّت معامله نیست. ابتلا متوقف بر نفوذ معامله نیست، ابتلا متوقف بر این است که ذات معامله در عالم خارج شکل بگیرد، ولی نگاه کند ببیند این بلد است که مال خودش را بفروشد یا با این پول خودش چیزی را بخرد یا نه؟ اما ابتلا متوقف بر صحّت معامله نیست. ابوحنیفه می‌گوید بین الابتلاء و صحّة المعاملة تلازم است، شافعی گفت اصلاً آیه نمی‌گوید قبل از رشد مال را به او بدهید، بلکه می‌گوید اصلاً حق ندارید قبل از رشد مال را به او بدهید، شافعی در جواب ابوحنیفه اینطور می‌گوید که اصلاً مالش را قبل از رشد حقّ اینکه به او بدهید ندارید و اگر به او دادید و تصرف کرد، مطلقاً باطل است، چه با اذن ولی و چه بدون اذن ولی.

امام يك قسمت از ابوحنیفه دفاع می‌کنند و به شافعی می‌فرمایند اصلاً شما جواب ابوحنیفه را ندادید، ابوحنیفه نمی‌گوید مال را قبل از رشد به صبی بده، می‌گوید مال را برای اختبار به او بدهید، منتهی خودشان در جواب ابوحنیفه می‌فرمایند اشتباه شما این است که ابتلا و اختبار را ملازم با صحّت و نفوذ معامله قرار دادید. همین جا اگر بین اینها تفکیک کنیم بگوئیم آیه می‌گوید وابتلوا الیتامی، ابتلا کنید و ابتلا یعنی مال را موقتاً بدهید مراقبت کنید ببینید می‌تواند درست معامله کند یا نه؟ اما این ملازمه‌ی با صحّت معامله ندارد، ملازمه با نفوذ معامله ندارد.

همه حرفها و دقتها را باید اینجا داشته باشید که آیا ابتلا ملازم با نفوذ معامله و صحّت معامله است؟ اگر در عرف گفتیم بچه‌ی خودتان را امتحان کنید ببینید بلد است این کار را انجام بدهد یا نه؟ ابتلا و اختبار آیا ملازمه دارد با اینکه ملازمه‌اش صحیح باشد؟ ظاهرش همین است که امام (رضوان الله علیه) می‌فرمایند ملازمه‌ای وجود ندارد.

بحث این است که اگر قبل از رشد ولی بیاید اذن صریح به صبی بدهد و بگوید برو معامله کن، آیا آیه می‌گوید این هم نافذ نیست؟ می‌گوییم بله آیه این را هم نافذ نمی‌داند، آیه وقتی می‌گوید فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ، تمام تصرفاتش متوقف بر رشد است، مثل اینکه اگر ولی بیاید به مجنون اجازه معامله بدهد، خیلی واضح است که معاملاتش نافذ و صحیح نیست، ولی اگر به صبی ممیز غیر رشید اذن داد، بر حسب آیه این معاملات و تصرفاتش نافذ نیست.

شما الآن تمام ذهن تان را متمرکز کنید روی آیه شریفه، آیا آیه شریفه می فرماید قبل از رشد تمام تصرفات صبی حتی مع اذن الولی باطل است؟ می گوئیم بله، آیه این را دلالت دارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] . التفسير الكبير، ج 9، صص 187 و 188 .

[2] . «و الظاهر عدم ورود إشکاله علیه؛ لأنّ مدّعاہ أنّ الآیة تدلّ علی نفوذ تصرفه بإذن ولیّه؛ فیما یرجع إلی الاختبار، لا تصرفه مطلقاً، و هو لا یلزم دفع المال إلیه و استقلاله فی المعاملات، و عدم القائل بالفرق – علی فرضه لا یوجب جواز رفع اليد عن ظاهر الآیة. و الأولى أن یقال فی جوابه: إنّ إطلاق الآیة لا یقتضی صحّة المعاملة و نفوذها؛ لعدم إطلاقها من هذه الجهة، بل لها إطلاق من جهة الابتلاء فقط، و الابتلاء لا یلزم صحّة المعاملة، بل الدخیل فیہ نفس المعاملة، سواء كانت صحیحة نافذة أم لا. فتمام الموضوع فی الابتلاء الکاشف عن رشده، هو ذات المعاملة، و الصحّة لا دخالة لها فی المقصود، و لیست الآیة فی مقام البیان من هذه الجهة، بل لا معنی له، فتدبر» کتاب البیع، ج 2، صص 16 و 17 .